



ضیاءالدین ترابی

نو اوتا کوتاه

شعر کوتاه شعری است که در یک بند و گاه نیز در دو بند سروده شده باشد و خود هر بند شعر نیز ممکن است از یک یا چند گزاره شعری / جمله تشکیل شده باشد

شاعر به تندرستی گاو اشاره می کند. گاو سالم و تندرست است ولی گم شده است.

حال اگر از این شعر همان تصویر اول یا بند اول شعر را جدا بکنیم، خواهیم داشت:

دیری است نعره می کشد از بیشه خموش کک کی، که مانده گم.
فقط یک تصویر خواهیم داشت نه یک شعر، تصویری از یک گاو گمشده در جنگل، که اصطلاحاً بدان «طرح» می گویند. این کار را می توان با خیلی از شعرها انجام داد، و بندی از آن را جدا کرد و جداگانه خواند یا در مطلبی نقل کرد، ولی نباید فراموش کرد که این بند جدا شده از شعر، دیگر یک شعر کامل نیست، بلکه تصویری است از تصاویر یک شعر که به تنهایی افاده معنی نمی کند، بلکه در کنار بندهای دیگر شعر و با تعامل و تقابل با آن ها که فضای کلی شعر را پدید می آورد. یا این سطر آغازین شعر «قصه شعر سنگستان» از مهدی اخوان ثالث:

دوتا گفتن

نشسته اند روی شاخه سدر کهنسالی

که روییده غریب از همگنان در دامن کوه قوی پیکر

(از این اوستا، صفحه ۱۴)

که یک طرح است و تصویری ارایه می دهد از دوتا گفتن که روی درخت سدري نشسته اند، ولی نمی توان آن را یک شعر کامل یا شعر کوتاه به شمار آورد، همان طور که در خود شعر اخوان این بند، بند آغازین شعر را تشکیل می دهد و مقدمه ای است برای ورود به فضای شاعرانه که در کلیت شعر اتفاق می افتد.

ولی گاه نیز پارهای از یک شعر می تواند به تنهایی کامل و مفید معنی باشد، به طوری که به توان آن را یک شعر کامل و مستقل به شمار آورد، مثل

شعر نو، شعری است آزاد، که در آن فرم و ساختار هر شعری را خود شعر - فضا و محتوای شعر - پدید می آورد، بنابراین حد خاصی نیز برای شعر وجود ندارد. با وجود این از آنجا که کوچک ترین واحد شعر نو، بند است و هر شعر از ترکیب یک یا چند بند پدید می آید، که این بندهای گوناگون در نهایت ساختار نهایی شعر را پدید می آورند. می توان گفت که شعر کوتاه شعری است که در یک بند و گاه نیز در دو بند سروده شده باشد و خود هر بند شعر نیز ممکن است از یک یا چند گزاره شعری / جمله تشکیل شده باشد، مثل شعر «کک کی» از نیما یوشیج که در سه بند سروده شده است:

**دیری است نعره می کشد از بیشه خموش
کک کی، که مانده گم**

□

**از چشم ها نهفته پری وار
زندان بر او نده است علفزار
بر او که قرار ندارد
هیچ آشنا گذار ندارد**

□

**اما به تن درست و برومند
کک کی، که مانده گم
دیری است نعره می کشد از بیشه خموش**
(مجموعه شعرها، صفحه ۱۹۹)

بند اول که از دو جمله تشکیل شده است، تصویری ارائه می دهد از گاو کی که در بیشه گم شده است، در بند دوم که از چهار جمله تشکیل شده است موقعیت گاو گمشده را در بیشه و در تنهایی گزارش می کند و در بند سوم که از سه گزاره تشکیل شده است، ضمن تکرار تصویر نخستین شعر،



شماره ۶۱
مهرماه ۱۳۸۷

این باره شعر از شعر «واحدای در لحظه» سهراب سپهری:

به سراغ من اگر می آید
نرم و آهسته بیاید، مبادا که ترک بردارد
چینی نازک تنهایی من.
(هشت کتاب، صفحه ۳۶۱)

که گرچه بند پایانی شعر «واحه در لحظه» سپهری است، ولی در عین حال به همین صورت و جدا از بیکره اصلی شعر، شعری است مستقل و کامل و قضایی می سازد مخیل و شاعرانه، که از هر نظر کامل است و مفهوم مستقل و کاملی را نیز منتقل می کند، به طوری که بدون در نظر گرفتن بقیه شعر نیز می تواند به تنهایی شعری کامل باشد و نمونه ای از یک از شعر کوتاه که در سه مصراع سروده شده است.

درست مثل شعر کوتاه «هدیه» از فروغ فرخزاد که بد نیست برای مقایسه باهم، بخوانیم:

من از نهایت شب حرف می زنم
من از نهایت تاریکی
و از نهایت شب حرف می زنم

اگر به خانه من آمدی برای من ای
مهربان چراغ بیاور
و یک دریچه که از آن
به ازدحام کوچه خوشبخت بنگرم
(تولد دیگر)

که باز یک شعر کوتاه است که در دو بند سروده شده است، با این تفاوت که ایجاز لازم در شعر کوتاه در آن رعایت نشده است، که بدون توجه به بند اول که تصویری توضیحی است در مورد موقعیت زمانی و مکانی شاعر و نیز حذف جمله معترضه (برای من ای مهربان) از بیکره شعر خواهیم داشت:

اگر به خانه من آمدی چراغ بیاور
و یک دریچه که از آن
به ازدحام کوچه خوشبخت بنگرم

به طور کلی شعر کوتاه، شعری است موجز و مختصر، که با حداقل کلمات سروده شده و قضایی می سازد کامل، شاعرانه و مخیل و تصویری است از لحظه های گذرای زندگی و حاصل تأمل شاعر است در این لحظه ها، در صورتی که «طرح» فقط یک تصویر ساده است، تصویری ساده از زندگی و طبیعت، که تنها در حد تصویر باقی می ماند و تا شعر و شعر کامل فاصله زیادی دارد. به همین جهت نیز می توان بندهای کوتاهی از شعر شاعران مختلف را از بیکره آن جدا کرد و به طور مستقل خواند یا جایی نقل کرد، که در نهایت چیزی جز یک طرح یا تصویر نخواهد بود؛ تصویری که از ویژگی هر بند شعر نو است و یک شعر نو کامل از مجموع این بندهای مستقل پدید می آید و تصویرهایی که در هر بند شعر آرایه می شود در تعامل و تقابل با تصویرهای دیگر شعر است که سرانجام فضای کلی شعر را پدید می آورد، مثل این تصویر از شعر «ترانه تاریک» احمد شاملو:



کوتاه شعری است موجز و مختصر، که با حداقل کلمات سروده شده و قضایی می سازد کامل، شاعرانه و مخیل و تصویری است از لحظه های گذرای زندگی و حاصل تأمل شاعر است در این لحظه ها

بر زمینه سربری صحیح
سوار خاموش ایستاده است
و یال بلند اسپش در باد پریشان می شود
(ابراهیم در آتش، صفحه ۳۶)

که به تنهایی یک تصویر ساده است از موقعیت سواری که خاموش ایستاده است و طرحی است که به تنهایی فقط در حد یک تصویر باقی می ماند و نمی تواند یک شعر کامل باشد؛ ولی همین بند کوتاه شعر - که در اصل در پنج سطر سروده شده است - در کنار بقیه قسمت های شعر است که فضای کلی شعر را پدید می آورد. بنابراین به هر چند سطر کوتاهی که در هیأت شعر نوشته شده باشد نمی توان شعر کوتاه گفت و همان طور که گفتیم شعر کوتاه، شعری موجز و مختصر که در چند سطر (یک یا دو بند) سروده شده و فضای کاملی بسازد که مفهوم و محتوای واحد و مستقلی را به مخاطب منتقل کند؛ فضایی کامل و مستقل اما متخیل و خیال برانگیز، مثل این شعر از احمد شاملو:

سلاخی
می گریست
به فناری کوچکی
دل باخته بود
(مجموعه اشعار)

و یا این شعر کوتاه «سفرنامه باران» از شفیعی کدکنی:
آخرین برگ سفرنامه باران
این است
که زمین چرکین است

که اولی شعری است کوتاه که از دو گزاره تشکیل شده و برای تأکید و توجه در چهار سطر آمده است و دومی شعری است که باز از دو گزاره تشکیل شده و در سه سطر آمده است، و هر دو نمونه کاملی از یک شعر نواند. شعرهایی که در نهایت در حد یک بند کوتاه شعرند، ولی در عین حال قضایی می سازند کامل و قابل تأمل. در بین شعرهای شاعران نوپرداز از این نمونه ها بسیار یافت می شود که یکی از معروف ترین آن ها شعر «احساس» هوشنگ ابتهاج (ه.ا.سایه) است که در سال ۱۳۳۱ سروده شده است و شعر کوتاهی است در چهار سطر یا مصراع که باز از دو گزاره شاعر تشکیل شده است:

ببستم
صدف خالی یک تنهایی است
و تو چون مروارید
گردن اویز کسان دگری

ولی در بین شاعران معاصر بیش از همه «محمد زهری» به شعر کوتاه توجه دارد، و شعرهای کوتاه کتاب های «شبنامه» و «پیر ما گفت» در نوع خود از بهترین نمونه های شعر کوتاه معاصرند، که در این یک نمونه از مجموعه شعر «شبنامه» را با هم می خوانیم:

تسبی از تسبها
عطسه عاقبتی کرد بهار
نفس گرم زمین
به علف
تسوه رستن اموخت
(شبنامه، صفحه ۴۱)

در همین راستا می‌توان از منصور اوجی یاد کرد که به ایجاز کلام علاقه دارد و شعرهایش اغلب با حداقل کلمات ممکن سروده شده است. بویژه شعر کوتاه و زیبایی «هوای باغ نکردیم» که در نوع خود یکی از بهترین شعرهای معاصر است:

**کجاست بام بلندی
و نردبان بلندی**

**که برشود و بماند بلند بر سر دنیا
و برشوی و بمانی بر آن و نعره براری:
هوای باغ نکردیم و دور باغ گذشت**

(این سوسن است...، صفحه ۲۷۲)

به همین نحو می‌توان در بین شعر شاعران معاصر نمونه‌هایی از این شعرهای کوتاه یافت و شاعران نسل انقلاب نیز مثل شاعران نسل‌های گذشته به سرودن شعر در قالب کوتاه (شعر کوتاه) توجه داشته‌اند که از آن میان می‌توان از یوسف علی میرشکاک نام برد با شعرهای کوتاه اشارت:

**من از تو هیچ نمی‌خواهم
جز این که**

بین من و آفتاب نباشی

(از زبان یک یاغی، صفحه ۱۴۳)

و یا شعر زیبای «پیشواز» از قیصر امین پور:

چه اسفندها... آه

چه اسفندها دود کردیم

برای تو ای روز اردی بهشتی

که گفتند این روزها می‌رسی

از همین راه

(آینه‌های ناگهان، صفحه ۶۶)

و شعری از رحمت حقی پور:

صبحگاهان

در ایستگاه آفتاب

مسافران

پیاده می‌شوند

غروب تنگ

به خانه می‌رسند

با دستمالی

خیس

از اشک

(ایستگاه صبحدمان، صفحه ۳۵)

که در حقیقت شعری است کوتاه که از دو گزاره تشکیل شده، ولی به دلیل نوع تقطیع و بلکایی نوشتن به نظر بلندتر می‌رسد و به راحتی می‌توان آن را در دو سطر به صورت زیر نوشت:

«صبحگاهان در ایستگاه آفتاب مسافران پیاده می‌شوند غروب تنگ، با دستمالی خیس از اشک، به خانه می‌رسند.»

و در بین شعرهای شاعران نسل جوان و جوان‌تر نیز نمونه‌های فراوانی می‌توان یافت که از این میان به شعر کوتاه «ماه» از مهدی مظفری ساوجی می‌توان اشاره کرد آن هم در آخرین مجموعه شعرش به نام «رنگ‌ها و سایه‌ها»:

از چشمم نسیب نشاید

از چشمم آفتاب نمی‌افتد

ماه

(رنگ‌ها و سایه‌ها، صفحه ۵۵)

ناگفته نماند که این شعرهای کوتاه هیچ ربطی به «هایکو»های ژاپنی ندارد، که شعری است با ویژگی‌های خاص خود، شعری که ریشه در فرهنگ بوداییسم و ذن دارد، در قالبی خاص و کوتاه سروده می‌شود، که شعری است هجایی که دارای هفده هجاست که در آن مصراع‌های اول و سوم دارای پنج هجاست و مصراع دوم هجا. یعنی شعری که در آن سه مصراعی بودن شعر، و رعایت ترتیب ۵ و ۷ و ۵ هجا در سه سطر الزامی است، بویژه با طبیعت‌گرایی خاصی که در شعر جریان دارد و نیز توجه به بیش از پنج بودایی، که اگر بیش از پنج بودایی و فرهنگ ذن را از آن حذف کنیم رعایت سه سطر بودن شعر و هفده‌هجایی کل شعر آن هم به ترتیب پنج و هفت و پنج هجا الزامی است، که تطبیق آن با زبان فارسی با ویژگی‌های خاصی که دارد کاری است بسیار دشوار و تقریباً غیر ممکن می‌نماید. مثل این دو نمونه که در حقیقت هایکوهایی پیوسته‌اند:

(۱)

دوستش دارم

وقتی می‌خندد در باغ

مانند تو گل

(۲)

افسونم کرده است

زیبایی تو، چون گل

در باد و باران

که مجموعه‌ای از دو هایکو است با همان ویژگی‌های اصلی یعنی شعری در سه مصراع که مصراع اول و سوم آن دارای پنج هجاست و مصراع دوم هفت هجا که در مقایسه با شعرهای سنتی فارسی تنها یک هجا بیشتر از یک مصراع شعر سنتی فارسی دارد؛ یعنی غزل یا قصیده‌هایی در وزن‌های مثل چهاربار مفاعیلن یا چهاربار فاعلاتن و یا مستفعلن و یا مفاعیلن.

حال اگر بخواهیم پیشینه‌ای برای این شعرهای کوتاه نو، در سنت شعر فارسی یا شعرهای سنتی فارسی ارائه دهیم بهترین مثال تکبیت‌های فارسی‌اند، تکبیت‌هایی که برخی باقی مانده از شعرهای بلندی چون غزل یا قصیده‌اند و برخی نیز به صرف تکبیت سروده شده‌اند که در لحظه‌ای بر ذهن شاعر خطور کرده است و شاعر آن را به همان صورت «تکبیت» حفظ کرده است و بدون آن که تلاش کند، غزلی بسازد در همان وزن و قافیه و بیت سروده شده را در این قالب قرار دهد. مثل تکبیت‌های مهدی اخوان ثالث:

همین نه ماه چو رویت گلی در آب ندید

پری‌وشی چو تو، آینه هم به خواب ندید

(سر کوه بلند، صفحه ۲۶۹)

یا:

رسیده‌ایم من و تویم به آخر خط

نگاه‌دار، جوان‌ها، بگو سوار شوند

(همان، صفحه ۲۷۰)

یعنی بیتی که در قالب‌های سنتی واحد شعر است، خود می‌تواند شعر مستقل کوتاهی باشد. همان‌طور که در شعر نو، هر بند که کوچک‌ترین واحد شعر است، در نهایت می‌تواند به صورت شعر کوتاه مستقلی درآید.

اگر بخواهیم پیشینه‌ای برای این شعرهای کوتاه نو، در سنت شعر فارسی یا شعرهای سنتی فارسی ارائه دهیم بهترین مثال تکبیت‌های فارسی‌اند، تکبیت‌هایی که برخی باقی مانده از شعرهای بلندی چون غزل یا قصیده‌اند و برخی نیز به صرف تکبیت سروده شده‌اند



تعداد ۶۱
مهرماه ۱۳۸۷

